

بن‌مایه‌های امنیت سیاسی در آثار سعدی

منوچهر دانش‌پژوهان^۱

چکیده

امروزه امنیت سیاسی پایدار، به سبب جایگاه عظیم آن در نظام حکمرانی، نخستین و بزرگ‌ترین خواسته جوامع انسانی در کنار آسایش و رفاه پایدار است؛ از آنجاکه ادبیات هر کشوری آینه تمام‌نمای اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... آن سرزمین در دوره‌های گوناگون تاریخی است، می‌تواند گنجینه‌ای ارزشمند برای پژوهش در موضوعات یادشده است. یکی از راهکارهای تولید نظریه‌های بومی، توجه به گنجینه‌های تاریخی فکری در طول تاریخ یک کشور است. آثار سعدی، گنجینه‌ای ارزشمند از تجارب او در حوزه مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... هستند که امروزه می‌تواند در شناخت مسائل و تولید دانش بومی امنیت سیاسی ایران بسیار مؤثر باشند؛ از این‌رو، این پژوهش میان‌رشته‌ای، با این پرسش آغاز می‌شود که «بن‌مایه‌های امنیت سیاسی در آثار سعدی چگونه مطرح شده است». با توجه به یافته‌های پژوهش، موضوعاتی مانند «موقتی بودن قدرت‌های سیاسی، حفظ مردم به‌عنوان تنها سرمایه نظام سیاسی، رسیدگی به شکایات مردم، خردمندی حاکمان، مشورت با خردمندان، داشتن نظام دادگستری نیرومند، انتخاب کارگزاران متخصص، درستکار و خداترس، شایسته‌سالاری، اشراف بر کارگزاران نظام حکمرانی، توسل به جنگ و حمایت از نیروهای مسلح» بن‌مایه‌های امنیت سیاسی در آثار سعدی را شکل می‌دهند. این پژوهش از نوع پژوهش‌های بنیادین نظری و کاربردی است که به روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته و یافته‌های آن با شیوه «تجزیه و تحلیل کیفی» و با روش «استدلال استقرایی» تحلیل شده است.

واژگان کلیدی: امنیت، امنیت سیاسی، آثار سعدی، مطالعات میان‌رشته‌ای

طرح مسئله

موضوع امنیت سیاسی، در همه جوامع امروزی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی حقوق بنیادین افراد جامعه مورد توجه قرار گرفته است؛ به عبارت دیگر، امنیت نظام سیاسی همواره یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای سایر ابعاد امنیت (امنیت فردی، عمومی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و ...) است و از مفصل‌ترین و قدیمی‌ترین مباحث امنیت پژوهی محسوب می‌شود (حاجزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۳)؛ از این رو، تأمین امنیت سیاسی، به تأمین امنیت کلی جامعه و نظام سیاسی می‌انجامد. در این میان، «امنیت سیاسی» مقوله‌ای دوجبه‌ای به نظر می‌رسد؛ زیرا ناامنی در حوزه سیاسی، هم امنیت یکایک افراد جامعه و هم امنیت و کیان کشور را با تهدید روبه‌رو می‌سازد. از آنجاکه این پژوهش از نوع پژوهش‌های میان‌رشته‌ای علوم سیاسی و ادبیات فارسی است، باید گفت ادبیات فارسی میراث ماندگاری است که در شکل‌گیری فرهنگ و تمدن ایرانی نقشی بسیار تأثیرگذار داشته است، بدین سبب امروزه به عنوان تنها رسانه هزار سال گذشته این مرزوبوم، آینه تمام‌نمای مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... دوره‌های تاریخی ایران، نقش بالایی در فهم تاریخی پدیده‌های موجود در جامعه ایرانی دارد و می‌تواند در تولید دانش بومی امنیت سیاسی، به جامعه علمی امروز کشور یاری برساند (دانش‌پژوهان، ۱۴۰۰: ۸۴). سعدی را در این میان «شاعر تمام زمان‌ها»، «شاعر جهانی» و نیز «شاعر انسانیت» خوانده‌اند؛ زیرا وی در درک عمیق مسائل جامعه ایرانی، در بین اندیشمندان زبانزد است (بهار: ۱۳۸۰: ۶۰۲). پیشگامی و نوآوری سعدی در بیان اندیشه‌های سیاسی مردم‌گرایانه (دموکراسی) و روابط بین‌الملل (دیپلماسی)، هنگامی بیشتر و بهتر آشکار می‌شود که به زمان طرح این اندیشه‌ها. حدود هشت سده پیش، بازگردیم و دورانی را مجسم کنیم که سرزمین ایران لگدکوب ستوران مهاجمان مغول بود و مردمانش در زیر سیطره ظلم و ستم نظام‌های سیاسی خودکامه و بیدادگر دست‌وپا می‌زدند. در این میان، آنچه اهمیت و عظمت کار سعدی را در این زمینه دوچندان می‌کند، توجه به این واقعیت دردناک است که متأسفانه بیشتر مردم هم‌عصر این شاعر، خودکامگی و بیدادگری حاکمان را امری عادی و طبیعی تلقی می‌کردند و حاکمان نظام سیاسی و کارگزاران آن را نظر شرعی می‌دانستند (کتابی، ۱۳۹۶: ۱۴۶). پژوهش حاضر با توجه به اهمیت موضوع امنیت سیاسی، درصدد بازشناسی نمونه‌های آن در اندیشه سعدی است.

سؤال پژوهش

بن‌مایه‌های امنیت سیاسی در آثار سعدی چگونه مطرح شده‌اند؟

فرضیه پژوهش

با توجه به یافته‌های پژوهش، به نظر می‌رسد، موضوعاتی مانند موقتی بودن قدرت‌های سیاسی، حفظ مردم به عنوان تنها سرمایه نظام سیاسی، رسیدگی به شکایات مردم، خردمندی حاکمان، مشورت

با خردمندان، داشتن نظام دادگستری نیرومند، انتخاب کارگزاران متخصص، درستکار و خداترس، شایسته‌سالاری، اشراف بر کارگزاران نظام حکمرانی، توسل به جنگ و حمایت از نیروهای مسلح، فرضیه پژوهش را شکل می‌دهد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

شعر فارسی یکی از حوزه‌های مهم زبانی در تاریخ اندیشه ایرانی است که گفتار و آموزه‌های سیاسی در آن بازتاب یافته‌اند. یکی از چهره‌های پراهمیت در تاریخ ادب فارسی که در به نظم آوردن آموزه‌های سیاسی کوشیده، سعدی است. یکی از مهم‌ترین مباحث برای فهم گفتار سیاسی سعدی را می‌توان فهم سنت‌های فکری در دوران وی دانست؛ چراکه سعدی را بر آن می‌داشته است که برای جریان‌ها و مسائل سیاسی آن زمانه در قالب قبول، رد یا تردید، تأثیر و تأثر و درگیر بودن، بدان‌ها پاسخ بدهد (خورشیدی و حقیقت، ۱۳۹۷: ۳۷). پژوهشگران حوزه ادبیات فارسی، با توجه به اهمیت آثار سعدی در عرصه ادبیات، فرهنگ و تمدن ایران اسلامی، پژوهش‌ها، مقالات و شرح و تفصیل‌های بسیاری درباره آثار او انجام داده‌اند. اما به موضوع امنیت سیاسی در ادبیات فارسی، تاکنون چندان توجهی نشده است؛ بنابراین پژوهشگر در این مقاله، با توجه به شناخت و تجربه‌ای که در مسائل امنیتی و ادبیات فارسی دارد، تلاش می‌نماید تا به بررسی مفاهیم امنیت سیاسی در آثار سعدی بپردازد. به نظر می‌رسد بحثی جدید و تازه در این زمینه باشد.

هدف پژوهش

هدف از انجام این پژوهش، شناخت و معرفی سرمایه‌های فکری و اندیشه‌های ایرانیان در حوزه امنیت سیاسی و بومی‌سازی آن با استفاده از آثار سعدی است که در اندیشه او تجلی یافته تا بتوان برای تولید نظریه‌های بومی امنیت سیاسی در آینده از آن‌ها بهره‌مند شد.

روش گردآوری اطلاعات

اطلاعات این پژوهش به روش کتابخانه‌ای، «متن‌خوانی» گردآوری شده و پس از «فیش‌برداری»، طبقه‌بندی شده‌اند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش از شیوه «تجزیه و تحلیل کیفی» و روش استدلال استقرایی استفاده شده است. بدین صورت است که بر اساس مشاهده حکمی در جزئیات، به اثبات آن حکم در مورد کلی، حکم داده می‌شود.

پیشینه پژوهش

• ازغندی علیرضا (۱۳۹۱) در کتاب اندیشه‌های سیاسی سعدی، تهران: انتشارات قومس، یک ارزیابی در قالب جامعه‌شناسی سیاسی از آرای سعدی نه به‌عنوان یک شاعر؛ بلکه یک استاد جامعه‌شناسی واقع‌گرا عرضه می‌کند؛ اما به موضوع امنیت سیاسی اشاره‌ای نکرده است.

- امیرجلالی، محمد و امیدبخش، علیرضا (۱۴۰۰) **بررسی رابطه خدایگان و رعیت در آراء سیاسی سعدی از منظر تاریخ‌گرایی نو**، کهن نامه ادب پارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۲. پژوهشگران در این مقاله با ذکر نمونه‌هایی از آثار سعدی تنها به رابطه پادشاهان با مردم پرداخته و به موضوع امنیت سیاسی اشاره‌ای نکرده‌اند.
- باقری دولت‌آبادی، علی و اسدی، محمدحسن (۱۳۹۸) **نسبت اندیشه سیاسی سعدی با نظریه‌های روابط بین‌الملل**، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۱، شماره ۱، شماره پیاپی ۵۹. پژوهشگران در این مقاله تنها به نگاه سعدی به جهان و روابط با سایر دولت‌ها پرداخته و به موضوع امنیت سیاسی اشاره‌ای نکرده‌اند.
- خورشیدی، محمد و حقیقت، سید صادق (۱۳۹۷) **سعدی و سنت‌های فکری سازنده عرف سیاسی**، مجله علمی پژوهشی پژوهشنامه علوم سیاسی، ش ۲۱. پژوهشگران در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به سنت‌های فکری گذشته ایران و زمینه تاریخی قرن هفتم؛ اندرزنامه نویسی، یاسای مغول، نظریه خلافت اهل سنت، سنت فکری تصوّف، نظریه امامت شیعه و تاریخ‌نگاری به‌عنوان مهم‌ترین سنت‌های فکری عصر سعدی، عرف سیاسی زمانه وی را ساخته‌اند و به موضوع امنیت سیاسی اشاره‌ای نکرده‌اند.
- کتابی، احمد (۱۳۹۶) **سعدی و مسائل اجتماعی**، تهران: انتشارات اطلاعات. نویسندگان در این کتاب به چهار مقوله اجتماعی زمان سعدی پرداخته است؛ ولی به موضوع امنیت اقتصادی نپرداخته است.
- کتابی، احمد (۱۳۹۰) در مقاله «جلوه‌های مدارا در آثار سعدی»، تهران: انتشارات اطلاعات. شاخص‌های مدارا را در دو گروه دسته‌بندی می‌کند الف) شاخص‌های مربوط به انگیزه و زمینه مدارا و ب) شاخص‌های مربوط به جلوه‌ها و آثار مدارا ایشان نقش مؤثر خودشناسی در ایجاد روحیه مدارا ضروری می‌داند؛ ولی به موضوع امنیت اقتصادی نپرداخته است.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۹) **شاعر عشق و زندگی**: سعدی، تهران: انتشارات مرکز. این کتاب شامل مقالاتی است که نویسنده درباره سعدی، در مجله ایران‌شناسی منتشر کرده است و درباره زندگی سعدی و تحلیل چند اثر از سعدی است و به موضوع امنیت اقتصادی نپرداخته است.
- یزدان‌پرست، حمید (۱۳۹۲) **آیین‌کشوداری از دیدگاه سعدی**، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۹۰ و ۲۹۱. نویسنده در این دو مقاله، رابطه پادشاه و مردم را به بحث گذاشته و مستقیم به موضوع امنیت اقتصادی نپرداخته است.

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

امنیت

امنیت ازجمله مقولات مهمی است که در سطوح فردی، جمعی و سیاسی دیرباز موردتوجه تحلیل‌گران و مدیران سیاسی بوده است (افتخاری، ۱۴۰۰: ۱۱). در زبان فارسی به ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی تعریف شده است (معین، ۱۳۹۸: ۳۵۴). امنیت از موضوعات بنیادینی است که نیاز به آن در تمام ابعاد زندگی بشری به گونه‌ای مؤثر احساس می‌شود؛ بنابراین مهم‌ترین نیاز هر جامعه، خواه یک طایفه یا قوم کوچک یا یک کشور را می‌بایست تأمین امنیت جامعه و افراد آن دانست (روشندل، ۱۳۸۴: ۳۲).

اندیشمندان علوم سیاسی، برقراری امنیت و ثبات در یک جامعه را به‌طورکلی از وظایف اصلی حکومت‌ها می‌دانند. درواقع از گذشته‌های دور تاکنون، کارویژه اصلی، اولیه یا حداقل دولت، تأمین امنیت جان مردم از خطرات داخلی و خارجی و نهادینه کردن امنیت اجتماعی بوده است (اخوان کاطمی، ۱۳۸۵: ۱۷). سازمان ملل متحد طی پژوهشی در این زمینه با عنوان «مفاهیم امنیت»، آن را چنین تعریف می‌نماید: امنیت یعنی اینکه کشورها هیچ‌گونه احساس خطر حمله نظامی، فشار سیاسی یا اقتصادی نکرده و بتوانند آزادانه رشد و توسعه خود را دنبال کنند. در فرهنگ دفاعی-امنیتی، ذیل واژه امنیت آمده است: امنیت عبارت است از اساس آزادی کشور در تعقیب هدف‌های بنیادین خود و نبود ترس و خطر جدی از خارج نسبت به منافع سیاسی و حیاتی آن (نوروزی، ۱۳۸۵: ۱۴۰). بوزان امنیت را «محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید» می‌داند (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲). در فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌الملل نیز این مفهوم بدین‌صورت تعریف شده است: امنیت حالتی است که ملتی بدون نگرانی از دست‌دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی یا خاک خود به سر می‌برد (مرادیان، ۱۴۰۰: ۳). درواقع می‌توان گفت امنیت پدیده‌ای ادراکی و احساسی است؛ یعنی برای تحقق آن باید این اطمینان در ذهن توده مردم، دولت‌مردان و زمامداران و تصمیم‌گیرندگان به وجود آید که ایمنی لازم برای ادامه زندگی بدون دغدغه وجود دارد. بدیهی است که عوامل بیرونی در به وجود آمدن این ادراک و احساس به‌طور مستقیم نقش دارند؛ بنابراین تعاریف واژه‌نامه‌ها و صاحب‌نظران درباره مفهوم امنیت بر روی «احساس آزادی از ترس» و «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است تأکید دارند (دانش‌پژوهان و سلیمانی، ۱۴۰۰: ۷).

امنیت سیاسی

ازنظر باری بوزان «امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت‌ها، نظام‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آن‌ها مشروعیت می‌بخشد» (بوزان، ۱۳۷۸: ۴۳). همچنین برخی امنیت سیاسی را موجودیت کشور و ملت وحدت، انسجام و آشتی ملی و تعامل سازنده بین گروه‌ها و نخبگان سیاسی می‌دانند (الهامی، حافظ‌نیا و فرجی‌راد، ۱۳۹۶: ۳)؛ به عبارت دیگر امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش و طمأنینه

لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و همچنین تضمین حقوق سیاسی آن‌ها در مشارکت جهت تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی آن‌ها است. نظام سیاسی در راستای امکان‌بخشی و تسهیل مشارکت و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود و جامعه، می‌بایستی امنیت و حضور آزادانه و برابر آن‌ها را فراهم آورد و هیچ‌کس را به داشتن باور سیاسی خاصی وادار نکند (رهبر و سوری، ۱۳۹۵: ۱۰). درواقع امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاه سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت، بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را هرچند مخالف حکومت باشد، در چارچوب قوانین موجود بیان کنند (مرادیان، ۱: ۴۷) و کسی حق تعرض به دیگران را به دلیل ابراز عقیده سیاسی نداشته باشد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۸). ثبات سیاسی، محصول امنیت سیاسی و در اصل ناظر به وجود توازن بین «خواست‌های مردمی» از یک‌سو و «کارویژه‌های حکومتی» از سوی دیگر است (همان: ۲۹).

با توجه به موارد یادشده در این پژوهش امنیت سیاسی، یکی از ابعاد امنیت ملی است که بر اساس آن، در پرتو استقرار آن، یک نظام سیاسی مقتدر شکل می‌گیرد که مردم بتوانند بدون ترس در رفاه و آرامش زندگی کنند.

مطالعات میان‌رشته‌ای

مطالعات میان‌رشته‌ای شاخه‌ای از علوم است که پس از آشکار شدن ضعف‌ها و کاستی‌های تخصصی شدن و شعبه شعبه شدن علم به رشته‌های تخصصی گوناگون، ضرورت یافته است؛ به عبارت دیگر، این رویکرد تلاش دارد علوم را به همان یکپارچگی و وحدتی بازگرداند که تا پیش از قرن هفدهم میلادی و نظریات رنه دکارت، فیلسوف و ریاضی‌دان فرانسوی، بر علوم حاکم بود؛ اما مطالعات میان‌رشته‌ای با «تخصص» مخالفتی ندارد، «آنچه مدنظر است، اضافه کردن عنصر جدیدی است که این تخصص‌ها را در ترکیبی جدید به کار گیرد تا مکمل یکدیگر شوند و بتوانند نسبت به یکدیگر هم‌افزایی داشته باشند»؛ درنتیجه از ظرفیت‌های رشته‌های دیگر هم سود جسته می‌شود. افزون بر آن، مطالعات میان‌رشته‌ای ماهیتی پژوهشی دارد و شکاف، خلأ، کمبود و فاصله بین علوم را از میان می‌برد (برزگر، ۱۳۸۷: ۳۹-۳۷).

سعدی

مشفردالدین مصلح بن عبدالله شیرازی مشهور به «شیخ سعدی» معروف به «افصح‌المکلمین» (۶۹۱-۶۰۶) در زمره بزرگ‌ترین شاعران و نویسندگان ایران و جهان به شمار می‌رود. شعر او را «سهل‌ممتنع» وصف کرده‌اند. سهل ممتنع شعری را گویند که سرودن آن به ظاهر آسان به نظر برسد؛ اما درواقع مانند آن سرودن، بسیار دشوار است. سعدی در جوانی در مدرسه نظامیه بغداد که مهم‌ترین مرکز علم و دانش جهان اسلام در آن زمان به شمار می‌رفت، تحصیل می‌کرد. او به تحصیل ادب، تفسیر، فقه، کلام

و حکمت پرداخت و پس از مدتی به‌عنوان خطیب به شام، مراکش، حبشه و حجاز سفر کرد. وی خود را با تاجران ادویه و کالا و زائران اماکن مقدس همراه می‌ساخت؛ سپس از بیست‌و‌اندی سال به شیراز برگشت و تا پایان عمر در این شهر اقامت کرد. وی از مفاخر بزرگ فرهنگ بشریت است که به دلایلی چون نبوغ و استعداد سرشار علمی، دید وسیع و تجارب عملی و علمی آثاری پدید آورده که بیشتر از هفت قرن است که اندیشمندان و سخنوران را در سرتاسر گیتی مجذوب و فریفته خویش نموده است.

وی بدون تردید یکی از پنج شاعر اول زبان فارسی و از بزرگ‌ترین شاعران و نویسندگان ایران است. حسن ترکیب، اعتدال در صنعت‌پردازی، شیرینی زبان، مفاهیم و مضامین نو و سهل و ممتنع بودن از ویژگی‌های آثار اوست. وی شاعری جهانگرد و مسافر سرزمین‌های دور بود که حکایت‌های بسیاری از پادشاهان شنیده و با روزگار مدارا می‌کرد. او در سفرهای خود تنها به دنبال تنوع، طلب دانش و آگاهی از فرهنگ و رسوم مختلف نبود؛ بلکه هر سفر برای او تجربه‌ای معنوی داشت. توشه این سفرها برای سعدی سرشار از قصه‌ها، روایات و مشاهدات بود که ریشه در واقعیت زندگی داشت؛ چنانچه در هر حکایت گلستان، هر عبارت از پس هزاران تجربه و آزمایش به شیوه‌ای یقینی بیان می‌شود، به‌طوری‌که هر حکایت بیش از اینکه جنبه تخیل و نظر داشته باشد، حاصل دنیای تجارب عملی است. شاید به همین دلیل عینی‌بودن، پند و اندرزهای سعدی بسیار دل‌نشین هستند، گرچه نحوه بیان هنرمندانه آن‌ها نیز سهم عمده‌ای در این آثار دارد. از سوی دیگر خلق بوستان و گلستان به فاصله چند ماه و سپس، نوشتن نصیحه‌الملوک، نشان از گنجینه دانایی، تجارب اجتماعی، ادبی و سیاسی سعدی دارد. آثار سعدی شیرازی علاوه بر اینکه عصاره و چکیده اندیشه‌ها و تأملات اجتماعی، سیاسی و تربیتی اوست، آینه ویژگی‌ها و خلق‌وخوی و منش ملتی کهن‌سال است؛ به همین سبب، هرگز شکوه و ارزش خود را از دست نخواهد داد (بیانی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۶۵۹-۶۵۳).

آثار سعدی (موحد، ۱۳۸۸، ج ۳: ۶۶۲-۶۵۹).

بوستان

بوستان نخستین اثر سعدی بوده که تألیف آن در سال ۶۵۵ هجری قمری به پایان رسید. این کتاب که یکی از شاهکارهای ادب فارسی به شمار می‌رود، در نسخه‌های قدیمی سعدی‌نامه نامیده می‌شد؛ اما بعدها به بوستان تغییر پیدا کرد. سعدی، بوستان را در طی سفرهای خود سرود و پس از بازگشت به وطن، آن را در اختیار دوستان خود قرار داد. بوستان به شعر نوشته‌شده و حدود چهار هزار بیت شعر را شامل می‌شود. بوستان کتابی بر پایه اخلاق، تربیت، سیاست و اجتماع بوده و جامعه آرمانی سعدی را توصیف کرده و در قالب مثنوی سروده شده است.

کتاب بوستان با یک مقدمه تقریباً طولانی آغاز شده و شامل ده فصل به نام‌های عدل و تدبیر و رأی،

احسان، عشق و مستی و شور، تواضع، رضا، قناعت، عالم تربیت، شکر بر عافیت، توبه و راه صواب و مناجات و ختم کتاب می‌شود. سعدی این اثر خود را به ابوبکر بن سعد زنگی تقدیم کرده است.

گلستان

گلستان به نثر آهنگین و آمیخته با نظم نوشته شده و شامل هشت فصل به نام‌های سیرت پادشاهان، اخلاق درویشان، فضیلت قناعت، فواید خاموشی، عشق و جوانی، ضعف و پیری، تأثیر تربیت و آداب صحبت است. یکی از تأثیرگذارترین کتاب‌های نثر در ادبیات فارسی را می‌توان گلستان دانست. سعدی این کتاب را در سال ۶۵۶ هجری قمری، یعنی یک سال پس از نگارش بوستان به تألیف درآورد. سعدی در این کتاب از پرداختن به تاریخ‌نگاری و تذکره‌نویسی پرهیز کرده و تمرکز خود را بر توصیف واقعی امور مربوط به اوضاع فرهنگی و اجتماعی زندگی مردم جامعه و منش اشخاص گذاشته است. گلستان تقریباً به زبان عامیانه و ساده نوشته شده و در آن از واژگان پیچیده و دشوار استفاده نشده است؛ بنابراین بیشتر قسمت‌های آن به سادگی فهمیدنی است. این کتاب اولین بار در سال ۱۸۲۴ میلادی در تبریز به چاپ رسید. گلستان، تقدیمی سعدی به سعد بن ابوبکر بن سعدی زنگی است.

غزلیات

غزلیات سعدی به مجموعه شعرهایی گفته می‌شود که سعدی در قالب غزل سروده است. سعدی حدود ۷۰۰ غزل دارد که در آن‌ها به زبان سنایی و انوری توجه ویژه‌ای داشته است. بیشتر غزل‌های سعدی بر پایه عشق سروده شده و غزل‌های عاشقانه‌اش تا پایان عاشقانه باقی می‌ماند؛ در صورتی که این ویژگی در شاعران کمی دیده می‌شود. سعدی علاوه بر غزل‌های عاشقانه، غزل‌های عارفانه و پندآموز زیادی هم سروده است که بسیار زیبا و قابل تأمل هستند.

قصاید

سعدی در قصاید خویش، به مدح بزرگانی نام‌آور پرداخته است؛ اما به منفعت مادی نظر نداشته و مضمون کلام و محتوای اشعارش، هدفی جز هدایت و راهنمایی ممدوحانش نیست؛ از این رو خود را ستایشگر حق و حقیقت می‌داند.

نصیحه‌الملوک

سعدی در نصیحه‌الملوک، پند و اندرزهای خود را به زمامداران به گونه‌ای گزیده و در صدوپنجاه‌ویک مورد به نثر در موضوعات مختلف بیان کرده است.

صاحبیه

مجموعه‌ای از بعضی قطعه‌های فارسی و عربی که غالباً در مدح شمس‌الدین صاحب دیوان جوینی است که به صاحبیه معروف شده است.

یافته‌های پژوهش و پردازش تحلیلی داده‌ها

گفتار سیاسی سعدی، از منابع مهم و اصیل طرح و انتقال اندیشه سیاسی ایران‌شهری در دوره میانه اسلامی است که در پرتو آموزه‌های اسلامی شکلی ویژه از مباحث سیاسی همچون اداره مُلک، پند و نصیحت پادشاهان، عدل و مردم‌داری، مشروعیت الهی، احسان نمودن به ضعیفان، خردورزی و پیروی نکردن از نفس، کارگزار صالح داشتن و نگاه اندام‌وارگی به سیاست را به نمایش می‌گذارد. این مباحث در اندیشه سعدی در چارچوب زمینه‌های فکری و سیاسی دوران وی و در واکنش به برداشت‌ها و عرف رایج سیاسی زمانه او طرح شده و از سوی دیگر «تحت تأثیر سنت‌های فکری ایرانی و هم‌زمینه تاریخی» نگارش یافته است (خورشیدی و حقیقت، ۱۳۹۷: ۳۹). جست‌وجویی، هرچند سریع در آثار سعدی، از اعتقاد قاطع و مسلم او به مردم‌سالاری، انسان‌دوستی و ضرورت رعایت حقوق مردم از جانب حاکمان حکایت می‌کند. در تأیید این موضوع، بسنده است؛ به‌ویژه به برخی از آثار وی مانند «نصیحه‌الملوک» و «گلستان» (باب اول «در سیرت پادشاهان») و «بوستان» (باب اول «در عدل و تدبیر و رای») و نیز برخی از قصاید وی نگاهی حتی گذرا بیفکنیم. از دیدگاه وی حکومت‌های مردم‌سالار در ایجاد امنیت سیاسی در بُعد داخلی و خارجی (دیپلماسی) موفق‌تر هستند؛ زیرا با رعایت عدالت در جامعه و فرهنگ مدارا با کشورهای دیگر، می‌تواند آرامش را برای خود و جامعه ایجاد نمایند و پایه‌های نظام حکمرانی را مستحکم نماید و جامعه را از آسیب‌های امنیتی در امان بدارد. برخی زیرساخت‌های امنیت سیاسی از نظر سعدی عبارتند از:

• نظام حکمرانی

سعدی در یکی از قصاید معروفش به نکته‌ای باورنکردنی و شگفت‌انگیز اشاره می‌کند که معرف کمال مردم‌دوستی و نشانه بارز روحیه آزادمنشانه و طرز تفکر مردم‌گرایانه او در هشت‌صد سال پیش است؛ وی در این منظومه، مردم را به جای «رعایا»، «پادشاهان» معرفی می‌کند و به پادشاهان می‌گوید اگر خردمند باشید درمی‌یابید که شما خدمتگزاران مردم هستید؛ زیرا آن‌ها شما را به حکمرانی مملکت گمارده‌اند. او با این اظهارنظر، به اندیشه مردم‌سالاری (دمکراسی) مقبول در عصر حاضر نزدیک می‌شود:

که سایه بر سر ایشان فکنده‌ای چو همای	به چشم عقل من این خلق پادشاهانند
عدوی مملکت است او به کشتنش فرمای	هر آن کسست که به آزار خلق فرماید

(قصاید: ۷۴۶)

سعدی در «گلستان» نیز ضمن حکایتی عبرت‌انگیز، دیگر بار به این معنی که وجود نظام‌های سیاسی به وجود مردم وابسته است، می‌گوید:

پادشه پاسبان درویش^۱ است
گرچه نعمت به قَرّ^۲ دولت اوست
گوسفند از برای چوپان نیست
بلکه چوپان برای خدمت اوست
(گلستان: ۶۲)

پرهیز از ستم بر مردم

به نظر سعدی اگر کارهای حاکم نظام سیاسی موجب گزند و آزار مردم گردد، امنیت سیاسی در سرزمین او ناپود خواهد شد.

گزند کسانش نباید پسند
که ترسد که در ملکش آید گزند
وگر در سرشت وی این خوی نیست
در آن کشور آسودگی بوی نیست
(بوستان: ۲۱۰)

ناممکن شدن صلاح‌اندیشی خیرخواهان

یکی از زیان‌بارترین آثار و پیامدهای نظام‌های خودکامه، مأیوس و ناامید شدن خردمندان و نیک‌خواهان جامعه و در نتیجه، انصراف آن‌ها از طرح نظرها و رهنمودهای دلسوزانه و مصلحت‌جویانه خویش، از بیم خشم و تعقیب احتمالی کارگزاران نظام سیاسی است که کمترین انتقادی را بر نمی‌تابند و جز عقیده و دیدگاه خویش، همه اندیشه‌ها و توصیه‌ها را نادرست و ناروا و حتی خصمانه تلقی می‌کنند. سعدی به این ویژگی آشکار استبداد و مستبدان توجه زیادی کرده و ضمن یکی از حکایت‌های گلستان به توصیف و تحلیل آن پرداخته است (کتابی، ۱۳۹۶: ۱۵۴):

«وزرای انوشیروان در مهمی از مصالح مملکت اندیشه همی کردند و هر یک رای^۳ همی زدند و ملک همچنین تدبیری اندیشه همی کرد. بزرجمهر را رای ملک اختیار آمد. وزیران در خفیه^۴ پرسیدند که: رای ملک را چه مزیت^۵ دیدی بر فکر چندین حکیم؟ گفت: به موجب آن که انجام کار معلوم نیست و رای همگان در مشیت^۶ است که صواب^۷ آید یا خطا؛ پس موافقت با رای ملک اولی‌تر^۸ است تا اگر خلاف صواب آید، به علت متابعت^۹ از او از معایت^{۱۰} ایمن باشم!» (گلستان: ۶۴).

• ایجاد ارباب و دهشت‌افکنی

یکی از پیامدهای اجتناب‌ناپذیر استبداد، حاکمیت بی‌اعتمادی و وحشت‌زدگی متقابل پیش مردم و

۱. مردم
۲. شکوه
۳. نظر
۴. پنهانی
۵. برتری
۶. ممکن است.
۷. درست
۸. شایسته‌تر
۹. پیروی
۱۰. سرزنش

پادشاهان است که گاه به مراحل و عواقب بس خطرناکی می‌رسد. سعدی در گلستان نمونه بارزی از این جوّ بی‌اعتمادی و بیم‌زدگی در جامعه را ضمن حکایتی عبرت‌انگیز بیان کرده است (کتابی، ۱۳۹۶: ۱۵۵): «هرمز را گفتند: از وزیران پدر چه خطا دیدی که بند فرمودی؟ گفت: خطایی معلوم نکردم، ولیکن دیدم که مهابت من در دل ایشان بیکران است. ترسیدم از بیم گزند خویش، قصد هلاک من کنند. پس قول حکما را کار بستم که گفته‌اند»:

از آن کز تو ترسد، بترس ای حکیم	و گر با چُنو ^۱ صد برآیی به جنگ
از مال و دستگاهِ خداوندِ قدر و جاه	چون راحتی به کس نرسد خاک بر سرش

(گلستان: ۴۵)

وی در جایی دیگر، حاکمانی را که اندیشه مردم‌سالاری (دمکراسی) را نپذیرفته و منشأ خدمت و راحتی برای مردم نیستند، مستحق توهین و سرزنش می‌داند و می‌گوید:

پروردگار خلق، خدایی به کس نداد	تا همچو کعبه روی بمالند بر درش
از مال و دستگاهِ خداوندِ قدر و جاه	چون راحتی به کس نرسد خاک بر سرش

(صاحبیه: ۷۴)

سعدی در کتاب نصیحه‌الملوک نظام حکمرانی را پند می‌دهد که نظام سیاسی مبتنی بر عدالت‌محوری و مردم‌سالاری با رعایت حق مردم در امور سیاسی، سبب ثبات امنیت سیاسی دولت و حکومت خویش خواهد شد و مردم نیز هنگام نیاز حکومت به آن‌ها، از آن حمایت خواهند کرد: «پادشاهانی که مشفق درویشند، نگهبان ملک و دولت خویشند به حکم عدل و احسان و انصاف خداوندان مملکت موجب امن و استقامت رعیت است» (نصیحه‌الملوک: ۸۷۱).

• حفظ مردم به‌عنوان تنها سرمایه نظام سیاسی

سعدی بر آن است که رابطه نظام‌های سیاسی با مردم، رابطه‌ای حیاتی است. نخست این که هر کشوری برای ماندگاری نیازمند یک نظام سیاسی توانمند است و از سوی دیگر، نظام‌های سیاسی برای بقای خود به حمایت مردم جامعه نیازمند هستند. با این حال وی بایان این نکته به حاکمان توصیه می‌کند که علت وجودی و مبنای مشروعیت حکمرانان، خدمتگزاری به مردم و تأمین امنیت، رفاه و آسایش آنان است؛ بنابراین باید با نظام سیاسی مبتنی بر عدالت‌محوری و مردم‌سالاری، در همه حال از مردم خویش حمایت کنند:

«پادشاه بر رعیت از آن محتاج‌تر است که رعیت به پادشاه. رعیت، اگر پادشاه نیست و اگر هست، همان رعیت است و پادشاه بی‌وجود رعیت متصور نمی‌شود» (نصیحه‌الملوک: ۸۹۲).

افزون بر آن درباره نظام سیاسی مبتنی بر عدالت‌محوری و مردم‌سالاری، در جای دیگری از کتاب نصیحه‌الملوک می‌گوید:

«به حقیقت پادشاهان را این دولت و حرمت به وجود رعیت است که بی‌وجود رعیت، پادشاهی ممکن نیست. پس اگر نگه‌داشت درویشان نکند و حقوق ایشان را بر خود نشناسد، غایت بی‌مروتی باشد» (نصیحه‌الملوک: ۸۸۳).

وی در همین کتاب، ضمن اذعان به ضرورت وجود یک نظام سیاسی، حاکم را به منزله سر و مردم را به تن تشبیه می‌کند و این دو را لازم و ملزوم می‌شمارد (کتابی، ۱۳۹۶: ۱۴۹).

وگر نه ملک نگیرد به هیچ روی نظام	ضرورت است که افراد را سری باشد
که بی‌وجود رعیت سری است بی‌اندام	به شرط آنکه بداند سرِ اکابر قوم
(همان: ۸۳۱)	

همچنین در بوستان، حاکمیتی را ماندگار می‌داند که به فکر تأمین امنیت و رفاه مردم جامعه خویش است؛ زیرا می‌داند که امنیت نظام سیاسی او به حمایت و پشتیبانی مردم وابسته است:

کسی زین میان، گوی دولت ربود	که در بند آسایش خلق بود
	(بوستان: ۲۳۶)

وی در حکایتی از خلیفه نیکنام اموی عُمر ابن عبدالعزیز، بیان می‌کند که وقتی از فقر و تنگدستی مردم در اثر خشک‌سالی باخیر شد، دستور می‌دهد نگین انگشتری وی را که بسیار کمیاب و ارزشمند بود، بفروشند و بهای آن را در اختیار نیازمندان و درماندگان قرار دهند:

چو در مردم آرام و قوّت ندید	خود آسوده بودن مروت ندید
چو بیند کسی زهر در کام خلق	کیش بگذرد آب نوشین به خلق
مرا شاید انگشتری بی‌نگین	نشاید دل خلقی اندوه‌گین
خنک آن که آسایش مرد و زن	گزیند بر آرایش خویشتن
نکردند رغبت هنر پروران	به شادی خویش از غم دیگران
	(بوستان: ۲۲۴)

امنیت فردی و اجتماعی از زیرساخت‌های امنیت سیاسی جامعه است؛ نظام سیاسی باید دارای مشروعیت و مقبولیت باشد. اگر حاکمیت، حقوق قانونی افراد جامعه را نادیده بگیرد؛ نسبت به مردم بخشایش نداشته باشد و سختگیر باشد، از مشروعیت و مقبولیت عمومی در نزد مردم برخوردار نخواهد بود؛ نبود مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی، زمینه‌ساز طمع‌ورزی دشمنان خارجی را فراهم می‌سازد؛ زیرا مردم از چنین نظامی دفاع نخواهند کرد و کشور با تهدید امنیت سیاسی روبه‌رو خواهد شد (انصاری، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

نترسد آن که بر افتادگان نبخشاید

که گر زبای در آمد کسش بگیرد دست؟

(گلستان: ۴۷)

وی در قصیده دیگری حاکمان را این گونه پند می دهد که از حاکمان چیزی جز عدالت، خیرخواهی، مصلحت اندیشی و بخشندگی نسبت به مردم، چیزی باقی نخواهد ماند:

جهان نمآند و آثارِ معدلت ماند

به خیر کوش و صلاح و به عدل کوش و کرم

(قصاید: ۷۱۶)

وی در جایی دیگر می گوید:

و گر جور در پادشایی کنی

پس از پادشاهی گدایی کنی

(بوستان: ۲۳۰)

• موقت بودن قدرت و منزلت

نکته ای که سعدی بارها و بارها به بیانها و شیوه های مختلف، با تذکر جدی و همراه با دلسوزی، گوشزد کرده، این است که ای کسانی که بر اریکه قدرت تکیه زده اید، بدانید که این دوره ریاست و حکومت، جاودانه نیست و از دستی به دست دیگر می رود. پس قدر فرصتی چنین ارزشمند را بدانید و خیرخواه خلق خدا باشید و توشه آخرت اندوزید.

که را دانی از خسروان عجم

ز عهد فریدون و ضحاک و جم

که بر تخت و ملکش نیامد زوال؟

نمآند به جز ملک ایزد تعال

چو کس را نبینی که جاوید ماند

(همان: ۲۲۶)

همچنین وی در قصیده ای، نخست از بی اعتباری و بی وفایی دنیا و سرنوشت حکمرانان قدرتمند گذشته که اکنون نامی از آنها وجود ندارد، سخن می گوید و حاکمان زمان را به عبرت آموزی از سرگذشت آنان و عدالت پیشگی فرامی خواند:

کنون که نوبت توسست ای مَلِک به عدل گرای

به نوبتند ملوک اندر این سپنج سرای

(قصاید: ۷۴۵)

• تملق و ریاکاری

بدیهی است هنگامی که زمامداران حکومت و تشنگان قدرت و ثروت، مخاطب مدح و تملق قرار گیرند، پیامدهای فاسد این کار، به مراتب بیشتر و خطرناک تر می شود؛ زیرا حاکمان و ثروتمندان، به مقتضای

طبیعت قدرت و ثروت، شیفته افزایش اقتدار و شهرتند، به همین سبب، در مقایسه با افراد عادی جامعه، حرص و ولع بیشتری برای شنیدن و خواندن تمجید و تحسین دارند؛ چراکه بدین وسیله احساس قدرت، منزلت و محبوبیت زیادتیر و در نتیجه، رضایت خاطر بیشتری می‌کنند.

سعدی در گلستان آدمیان را از خطر گرفتارشدن در دام چاپلوسانی که به انگیزه طمع و نفع‌طلبی، زبان به مدح دیگران می‌گشایند، بر حذر می‌دارد و افراد نادانی را که فریفته چرب‌زبانی متملقان می‌شوند، به لاشه گوسفند ذبح‌شده‌ای تشبیه می‌کند که بر اثر دمیدن باد در آن، فربه به نظر می‌رسد، غافل از اینکه این فربه‌سازی به‌منظور آن صورت می‌گیرد که پوست حیوان آسان‌تر کنده شود:

«فریب دشمن مخور و غرور^۱ مداح مخر که این دام زرق^۲ نهاده است و آن دامن طمع گشاده. احمق را ستایش خوش آید، چو لاشه که در کعبش^۳ دمی، فربه نماید!» (گلستان: ۱۷۷).

• حبّ جاه و مقام

حبّ جاه و مقام، بی‌گمان از جمله نیرومندترین و مؤثرترین علایق و انگیزه‌های آدمی و درعین‌حال از خطرناک‌ترین لغزشگاه‌های اوست که هر میزان و شدت آن، در مقام مقایسه با سایر امیال و غرایز انسان، مانند ثروت‌دوستی و غریزه جنسی، به مراتب بیشتر است. ناگفته پیداست که ویژگی یادشده، بیش از همه، از ابتلائات نظام‌های سیاسی و کارگزاران حکومت و ارباب قدرت است. این ویژگی، مناسب‌ترین زمینه و بستر را برای افزایش استبدادگرایی و خودکامگی حاکمان فراهم می‌سازد. به همین سبب سعدی درباره آن، گفته‌ها و توصیه‌هایی بسیار نغز و آموزنده‌ای دارد:

وی در کتاب نصیحه‌الملوک می‌گوید: «صاحب دولت و فرمان را واجب باشد در ملک و بقای خداوند تعالی همه‌وقتی تأمل کردن و از دور زمان براندیشیدن و در انتقال مُلک از خلق به خلق، نظر کردن تا به پنج روز مهلت دنیا، دل نهند و به جاه و مال عاریتی مغرور نگردد» (نصیحه‌الملوک: ۸۷۲).

دین‌داری حاکمان نظام سیاسی

سعدی بر آن است که شهریار، به پشتوانه و پشتیبانی خداپرستی به‌عنوان یک ستون اعتقادی استوار می‌تواند از خود پیشینه‌ای نیک‌منشانه و نیکو روش یادگار بگذارد و امنیت سیاسی کشور خود را حفظ کند:

خداوند دولت غم دین خورد	که دنیا به هر حال می‌گذرد
نخواهی که مُلکت بر آید به هم	غم مُلک و دین هر دو باید به هم
	(بوستان: ۲۴۶)

۱. فریب

۲. ریاکاری، ظاهرسازی

۳. استخوان پا

سعدی بر آن است که خداوند از حاکمان دین‌ورز حمایت می‌کند:

خدایش نگهبان و یاور بود	چو حاکم به فرمان داور بود
که در دست دشمن گذارد تو را	محال است چون دوست دارد تو را

(بوستان: ۲۱۰-۲۰۹)

سعدی با وجود دین‌داری و پایبندی به ارزش‌های اسلامی به موضوع دین‌داری فرمانروا نگاهی ژرف‌گرایانه دارد و بیش از آن که به پوسته عبادی دین ارج نهد، به نتیجه و پیامدهای اخلاقی وابسته به آن ارزش می‌دهد که بسان مغز و ریشه هستند. دین‌داری و خدا ترسی ویژگی مهمی است که سعدی نیز برای نظام سیاسی کشور بایسته می‌شمارد (فخر اسلام، ۱۳۸۳: ۱۲۳) او معتقد است مردم امانت خدا در نزد نظام حکمرانی هستند؛ از این رو، باید دین‌ورز و خدا ترس باشند تا خدا را ناظر کار خود بدانند و در کار خود درستی و راستی پیشه کنند، نه این که از حاکمیت بترسند و به مردم ستم کنند:

خدا ترس باید امانت‌گذار	امین کز تو ترسد امینش مدار
امین باید از داور اندیشناک	نه از رفع دیوان و زجر و هلاک

(بوستان: ۲۱۳)

وی همچنین کارگزاران نظام سیاسی را به عدالت‌پیشگی و رعایت دستورهای دینی در امور حکمرانی نسبت به مردم جامعه توصیه می‌کند و می‌گوید:

مکن تکیه بر ملک و جاه و حشم	که پیش از تو بوده است و بعد از تو هم
خداوند دولت غم دین خورد	که دنیا به هر حال می‌گذرد
نخواهی که ملکیت بر آید به هم	غم ملک و دین خورد باید به هم

(بوستان: ۲۴۶)

• رعایت عدالت و دادورزی و برخورد قاطع با متجاوزان و به حقوق مردم

سعدی به حاکمان نظام سیاسی از زبان انوشیروان به پسرش هرمز و نیز از خسرو به فرزندش شیرویه درباره رعایت عدالت در جامعه پند می‌دهد و آنان را به تأمین امنیت، رفاه و آسایش مردم فرامی‌خواند؛ زیرا می‌داند که امنیت اجتماعی جامعه امنیت سیاسی نظام حکمرانی او را تضمین می‌کند:

که خاطر نگهدار درویش باش
 خرابی و بدنامی آید ز جور
 بر آن باش تا هرچه نیت کنی
 از آن بهره‌ورتر در آفاق نیست
 بد و نیک مردم چو می‌گذرند
 نه در بند آسایش خویش باش
 رسد پیش بین این سخن را به غور
 نظر در صلاح رعیت کنی
 که در ملکرانی به انصاف زیست
 همان به که نامت به نیکی برند
 (بوستان: ۲۱۱)

هرقدر دادگری و برقراری عدالت در جامعه در اندیشه سعدی مطلوب، ستودنی و سودمند است، در مقابل، ستم‌ورزی، نکوهیده و زیان‌خیز است (کتابی، ۱۳۹۵: ۲۲۷). وی جایی دیگر در نصیحه‌الملوک در مقام توصیه و نصیحت به حاکمان نظام حکمرانی با صراحت و آشکاری به آنان می‌گوید حرمت و عزت نظام سیاسی مدیون و مرهون حضور مردم و تأمین امنیت و رفاه آنان، سبب تضمین امنیت سیاسی کشور خواهد بود:

«مروّت آن است چون کسی خیری دیده باشد، منّت او بر خود بشناسد و حق آن به‌جای آورد و جانب وی مهمّل نگذارد و به حقیقت، پادشاهان را از این دولت و حرمت به وجود رعیت است که بی‌وجود رعیت پادشاهی ممکن نیست. پس اگر نگه‌داشت^۱ درویشان نکنند و حقوق ایشان را بر خود نشناسند، غایت بی‌مروّتی باشد» (نصیحه‌الملوک: ۸۸۳).

دادورزی و عدالت از ارکان بنیادین نظام سیاسی در اندیشه سعدی است. وی در جای دیگری از کتاب نصیحه‌الملوک از ضرورت رعایت عدالت از جانب حکمرانان و ثمرات آن برای ثبات امنیت سیاسی کشور سخن می‌گوید:

«انصاف خداوندان مملکت^۲، موجب امن و استقامت رعیت است و عمارت^۳ و زراعت بیش اتفاق افتد؛ پس نام نیکو و راحت و امن و ارزانی نعمت به اقصای عالم برود... و مملکت آبادان شود و خزاین^۴ معموره و لشکریان و حواشی فراخ‌دست^۵، نعمت دنیا حاصل و به ثواب عقبی واصل و اگر طریق ظلم رود، برخلاف این».

ظالم برفت و قاعده زشت از او بماند
 عادل برفت و نام نکو یادگار کرد
 (نصیحه‌الملوک: ۸۷۲)

سعدی در بوستان نیز بی‌پروا حکمرانان نظام سیاسی را به رعایت انصاف، عدالت و رسیدگی به احوال

۱. رعایت حال
 ۲. حکمرانان
 ۳. آبادانی
 ۴. دارایی کشور
 ۵. پروتق
 ۶. توانمند و بی‌نیاز

عامه مردم جامعه و تلاش در جهت تأمین امنیت معاش و آسایش و رفع گرفتاری‌ها و دشواری‌های آنان دعوت و تشویق کرده و خیر دنیا و آخرت را برای حکمرانان وابسته به آن می‌داند:

تو با خلق سهلی^۱ کن ای نیکبخت
که فردا نگیرد خدا بر تو سخت
چو تمکین و جاهت بود بر دوام
مکن زور بر ضعف درویش و عام
(بوستان: ۲۶۲)

از نظر سعدی رعایت عدالت و دادرزی در جامعه، سبب خشنودی و رضایت مردم و ایجاد امنیت اجتماعی و سیاسی و بقای حکومت خواهد شد؛ از این رو نظام سیاسی وظیفه دارد با برهم‌زنندگان نظم و امنیت در کشور به شدت برخورد کنند:

بخور مردم آزار را خون و مال
که از مرغ بد کنده به پر و بال
مبخشای بر هر کجا ظالمی است
که رحمت بر او جور بر عالمی است
جهان سوز را کشته بهتر چراغ
یکی به در آتش که خلقی به داغ
هر آن کس که بر دزد رحمت کند
به بازوی خود کاروان می‌زند
جفاپیشگان را بده سر به باد
ستم بر ستم‌پیشه عدل است و داد
(بوستان: ۲۷۶)

همچنین درجایی دیگر از بوستان می‌گوید:

نکویی و رحمت به جای خود است
ولی با بدان نیک‌مردی بد است
سر سقله را گردبالش منه^۱
سر مردم آزار بر سنگ به
مکن با بدان نیکی ای نیکبخت
که در شوره نادان نشاند درخت
(بوستان: ۳۰۹)

سعدی معتقد است که وجود عدالت اجتماعی در جامعه سبب بهره‌مندی همه مردم از خزانه دولت و حکومت می‌شود. (قراگوزلو، ۱۳۷۹: ۹۵). وی از زبان وزیر دانا به پادشاه ستمگر هشدار می‌دهد که پادشاه باید نسبت به مردم عادل باشد تا هنگام حمله دشمن، مردم برای دفاع از نظام حکمرانی و حفظ امنیت سیاسی از کشور و حکومت او دفاع کنند و در سایه امنیت سیاسی در آسایش زندگی نمایند.

پادشاهی که طرح ظلم افکند
پای دیوار مُلک خویش بکند
(گلستان: ۴۴)

همچنین سعدی معتقد است، دادگری نظام حکمرانی باید به آن حد باشد که تمام مردم کشور در سایه

۱. نرمی و ملامت
۱. به او عزت و احترام نگذار.

او، احساس امنیت کنند. وی ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه را سبب ایجاد امنیت سیاسی پایدار، اجتماعی، اقتصادی، پُرشدن خزانه دولت، پایداری نظامیان، رفاه در زندگی مردم در جامعه می‌داند. وی در نصیحه‌الملوک، حاکم نظام سیاسی و کارگزاران آن را از ظلم به مردم بر حذر می‌دارد و می‌گوید: **همچنین «نعمت دنیا حاصل و به ثواب عقبی واصل و اگر طریق ظلم رود بر خلاف این است»** (نصیحه‌الملوک: ۸۷۲). سعدی، در فصل اول گلستان، «در سیرت پادشاهان» و همچنین در باب اول بوستان، «در عدل و تدبیر و رای»، نصیحت کردن نظام سیاسی پیشه می‌کند و کارگزاران آن را به انصاف و مروت نسبت به مردم جامعه دعوت می‌کند؛ او درجایی از زیان خسروپرویز، در خطاب و وصیت به پسر، حاکمی را در اداره کشور موفق می‌داند که در مملکت‌داری با انصاف و اعتدال رفتار کند (شاه‌محمدی، ۱۳۹۶: ۲۴). در غیر این صورت میان نظام سیاسی و مردم جامعه شکاف ایجاد شده و کشور با بحران امنیت سیاسی روبه‌رو خواهد شد. وی این‌گونه توصیه می‌کند:

شنیدم که خسرو به شیرویه گفت
بر آن باش تا هرچه نیت کنی
در آن دم که چشمش ز دیدن بخت
نظر در صلاح رعیت کنی
(بوستان: ۲۱۲)

وی درجای دیگری از بوستان نیز می‌گوید
الا تا نیچی سر از عدل و رای
که مردم ز دستت نیچند پای
کند نام زشتش به گیتی سمر^۱
از آن بهره‌ورتر در آفاق نیست
که در ملکرانی به انصاف زیست
(همان: ۲۱۲)

• نظام دادگستری نیرومند و رسیدگی به شکایات مردم

سعدی معتقد است یکی از مؤلفه‌های امنیت سیاسی داشتن نظام دادگستری نیرومند است که دسترسی مردم برای تظلم‌خواهی به آن، به آسانی فراهم باشد. در نبود نظام دادگستری و قضایی نیرومند، جامعه دچار هرج و مرج اقتصادی، سیاسی و ... خواهد شد و امنیت سیاسی نظام حکمرانی با تهدید شدید روبه‌رو می‌گردد. وی در نصیحه‌الملوک می‌گوید:

«پادشاهان جایی نشینند که اگر دادخواهی فغان بردارد، باخبر باشند که حاجبان و سرهنگان نه هر وقتی مهمات رعیت به سمع پادشاه رسانند» (نصیحه‌الملوک: ۸۸۲).

همچنین در جای دیگر این کتاب می‌گوید:

«داد ستم‌دیدگان بدهد تا ستمکاران خیره نگردند که گفته‌اند: سلطان که رفع دزدان نکند، حقیقت خود کاروان می‌زند» (همان: ۸۷۵).

وی در بوستان برای حفظ امنیت سیاسی بر ضرورت غفلت نکردن نظام حکمرانی از شنیدن شکایات دادخواهان و رسیدگی به آن‌ها تأکید می‌کند:

تو کی بشنوی ناله دادخواه
چنان خُسب کآید فغانست به گوش

به کیوان برت کُله خوابگاه^۱
اگر دادخواهی برآرد خروش

(بوستان: ۲۲۳)

• مجازات برهم زندگان امنیت

سعدی به مجازات برهم زندگان امنیت کشور تأکید کرده است و می‌گوید نباید به سفارش دوستان از مجازات این‌گونه افراد خودداری کنید؛ زیرا این‌گونه افراد با به هم ریختن اوضاع داخلی کشور و ایجاد هرج‌ومرج اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، سبب بدگمانی و بی‌اعتمادی مردم به نظام سیاسی خواهند شد که خود به تهدیدی علیه امنیت سیاسی تبدیل خواهد شد. وی می‌گوید:

«قطع دست دزدان و قصاص خونیان به شفاعت دوستان در نگذارند» (نصیحه‌الملوک: ۸۷۵).

همچنین درجایی دیگر می‌گوید:

مبغشای بر هر کجا ظالمی است
جفایشگان را بده سر به باد

که رحمت بر او جور بر عالمی است
ستم بر ستمپیشه است و داد

(بوستان: ۲۷۶)

سعدی نظام حکمرانی را به نیکو رفتاری با مردم فرامی‌خواند. گویی یقین دارد که فرمانروایان روزگار تا مطمئن نگردند که زیان کارکرد ستمگرانه به خودشان بازمی‌گردد، به نیکی نمی‌گروند. به همین دلیل، سعدی هرگاه فرمانروا را به نیکوکاری می‌خواند، بی‌درنگ سرانجام بد رفتاری را نیز یادآوری می‌کند و معتقد است که مردم تنها پشتیبان و سرمایه نظام حکمرانی هستند و باید با در اولویت قراردادن مردم جامعه و رفع مشکلات آن‌ها امنیت سیاسی کشور را تضمین کرد:

رعیت چو بیخند و سلطان درخت
مکن تا توانی دل خلق ریش

درخت ای پسر باشد از بیخ سخت
و گر می‌گنی، می‌کنی بیخ خویش

گزند کسانش نیاید پسند
که ترسد که در ملکش آید گزند

رعیت نشاید به بیداد گشت
که مر سلطنت را پنهاند و پشت

(همان: ۲۱۱)

• خویشن‌داری حاکمیت

سعدی، غلبه دیو خشم بر سلطان عقل و فکر را ضایع‌کننده رأی و تدبیر و انصاف می‌داند و به

۱. درحالی‌که بلندی خوابگاهت به کیوان می‌ساید.

حاکمان سفارش می‌کند با خویشتن‌داری و تدبیر و تحمل به نبرد با مشکلات و گرفتاری‌ها بپردازد:

خداوند فرمان و رای و شکوه	ز غوغای مردم نگرده ستوه
سر پر غرور از تحمل تپی	حرامش بود تاج شاهنشهی
نگویم چو جنگ‌آوری پای‌دار	چو خشم آیدت، عقل بر جای‌دار
تحمل کند هر که را عقل هست	نه عقلی که خشمش کند، زیردست

(همان: ۲۲۰)

• اشراف بر کارگزاران نظام حکمرانی

سعدی بر آن است که برای حفظ امنیت سیاسی کشور، هسته مرکزی نظام سیاسی و حکمرانی باید کارگزاران خود را به‌طور کامل بشناسد و بر اوضاع و احوال آن‌ها اشراف اطلاعاتی داشته باشد تا افرادی از دشمن برای جاسوسی و یا عملیات تروریستی در آن نفوذ نکنند (مؤذنی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۵)؛ زیرا در صورت نبود این اشراف اطلاعاتی، امنیت سیاسی کشور با تهدیدی جدی روبه‌رو خواهد شد:

«سایر زیردستان خدم را باید که نام و نسب بداند و بحق‌المعرفه بشناسد تا دشمن و جاسوس و فدائی را مجال مداخلت نماند» (نصیحه‌الملوک: ۸۷۶).

اشراف اطلاعاتی برای آشنایی کامل حاکمیت با کارگزاران حکومت و شناخت کافی از وضعیت آنان در همه دوره‌ها لازم و ضروری است (مؤذنی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲)؛ از این‌روست که سعدی می‌گوید:

«ارکان دولت و اعیان حضرت را باید که یکایک مشرف‌نحانی برگمارد تا نیک و بد هر یک معلوم کند» (نصیحه‌الملوک: ۸۷۶).

همچنین در یکی از قصاید خویش می‌گوید نباید کارگزاران ستمگر را بر مردم بگماری؛ زیرا با ستم کردن به مردم آنان را از نظام سیاسی کشور ناامید کرده و امنیت سیاسی کشور را به مخاطره خواهند انداخت:

بقای مملکت اندر وجود یک شرط است	که دست هیچ قوی بر ضعیف نگماری
---------------------------------	-------------------------------

(قصاید: ۷۵۲)

• مسئولیت حاکمان نسبت به ستمگری‌ها و اعمال ناروای کارگزارانشان

از نظر سعدی، پادشاهان و حکمرانان نه تنها به‌خاطر اعمال خویش؛ بلکه نسبت به عملکرد عاملان خود نیز مسئولند. در این خصوص، در نصیحه‌الملوک آمده است:

«ذوالنون مصری پادشاهی را گفت: شنیده‌ام فلان عامل را که فرستاده‌ای به فلان ولایت، بر رعیت درازدستی می‌کند و ظلم روا می‌دارد. گفت: روزی سزای او بدهم. گفت: بلی! روزی سزای او بدهی که مال از رعیت تمام ستنده باشد. پس به زجر و مصادره از وی بستانی و در خزینه‌هی، آنگاه درویش و رعیت را چه سود دارد؟» (نصیحه‌الملوک: ۳۳).

• شایسته‌سالاری در انتخاب افراد متخصص، شایسته و پاک‌دست برای انجام امور کشور

گزینش افراد متخصص، شایسته و پاک‌دست برای انجام امور کشور؛ به‌ویژه در مناصب مهم، از شرایط نخستین برقراری امنیت سیاسی است (کتابی، ۱۳۹۶: ۲۰۵). سعدی در نصیحه‌الملوک می‌گوید هسته مرکزی نظام سیاسی و حکمرانی را نباید به دست افرادی سپرد که با ستم، مردم را از دولت مرکزی بیزار کنند؛ زیرا از دست دادن مردم به‌عنوان تنها سرمایه حکمرانی، امنیت سیاسی کشور را با تهدید شدید روبه‌رو می‌کند: «عامل مردم‌آزار را عمل^۱ ندهد که دعای بد بدو تنها نکنند» (نصیحه‌الملوک: ۸۷۸).

سعدی سپردن کارهای تخصصی به افراد ناآزموده را سبب نابودی امنیت سیاسی کشور می‌داند و در بوستان می‌گوید:

گرت مملکت باید آراسته	مده کار معظم به نخواستہ
به خردان مفرمای کار درشت	که سندان نشاید شکستن به مش
نخواهی که ضایع شود روزگار	به ناکار دیده مفرمای کار
	(بوستان: ۲۵۰)

از نظر سعدی حکمرانان، نسبت به عملکرد کارگزاران خویش مسئولند و باید با اشراف اطلاعاتی از ستم آنان بر مردم جلوگیری کنند و در نصیحه‌الملوک می‌گوید:

«عامل مگر از خدای تعالی بترسد که امانت نگاه دارد والا به وجهی خیانت کند که پادشاه نداند» (نصیحه‌الملوک: ۸۸۳).

در دیدگاه سعدی، ستم و ستمگری که نوعی افراط برخورد با زیردستان است، برای امنیت سیاسی، عاقبتی نافرجام و نکوهیده دارد:

پادشاهی کو روا دارد ستم بر زیردست دوستدارش روز سختی، دشمن زورآور است
 (گلستان: ۴۴)

• مشورت با خردمندان برای اداره شایسته مملکت

سعدی در گلستان، نیازمندی نظام حکمرانی برای اداره شایسته مملکت را به مشورت با خردمندان وابسته می‌داند و می‌گوید:

«مُلک از خردمندان جمال گیرد و دین از پرهیزکاران کمال یابد. پادشاهان به نصیحت خردمندان از آن محتاج‌ترند که خردمندان به قُربت پادشاهان» (گلستان: ۱۷۲)

درجایی دیگر مشورت با خردمندان را برای اداره نظام سیاسی شرط لازم برای تصمیم‌گیری مناسب

می‌داند؛ چون به تعبیر وی، هیچ اندیشه فردی وجود ندارد که بالاتر و درست‌تر آن اندیشه وجود نداشته باشد:

ضمیر مصلحت‌اندیش، هر چه پیش آید	به تجربت بزند بر محک دانایی
اگرچه رای تو در کارها بلند بود	بود بلندتر از رای هر کسی رای

(مواعظ: ۸۳۶)

افزون بر آن، تصمیم‌گیری کارگزاران نظام سیاسی بدون رایزنی و مشورت با متخصصان و خردمندان می‌تواند به تصمیم‌های نادرستی بینجامد که امنیت سیاسی کشور را به مخاطره بیندازد:

هر که بی‌مشورت کند تدبیر	غالبش بر غرض نیاید تیر
بیخ بی‌مشورت که بنشانی	برنیارد به جز پشیمانی

(همان: ۸۵۰)

• پرهیز از خشم

از نگاه معتدل و همراه با تساهل و مدارای سعدی، فرمانروای مدبر و دوراندیش حتی با کارگزاران و زبردستان خطاکارش هم نباید با خشم و سختی افراطی رفتار کند:

به فرمان‌بران بر شه دادگر	پدروار خشم آورد بر پسر
گمش می‌زند تا شود دردناک	گهی می‌کند آتش از دیده پاک و
چونرمی کنی خصم گردد دلیر	گر خشم‌گیری شوند از تو سیر چو
درشتی و نرمی هم به هم در به است	رگ زن که جراح و مرهم نه است

(بوستان: ۲۱۴)

سعدی، غلبه دیو خشم بر سلطان عقل و فکر را ضایع‌کننده رأی و تدبیر و انصاف می‌داند و به حاکمان سفارش می‌کند با خویشتن‌داری و تدبیر و تحمل به نبرد با مشکلات و گرفتاری‌ها بپردازد:

خداوند فرمان و رأی و شکوه	ز غوغای مردم نگردد ستوه
سر پر غرور از تحمل تهی	حرامش بود تا شاهنشاهی
نگویم چو جنگ‌آوری پای‌دار	چو خشم آیدت عقل بر جای‌دار
تحمل کند هر که را عقل هست	نه عقلی که خشمش کند زبردست
چو لشکر برون تاخت خشم از کمین	نه انصاف ماند، نه تقوا، نه دین

(همان: ۲۲۰)

• دشمن‌شناسی

سعدی توصیه می‌کند که در مسائل جنگ و حکومت باید رازدار بود و اسرار نظامی را منتشر نساخت و در نمان به چاره کار پرداخت و تدارکات جنگی را از همگان پوشیده داشت.

به تدبیر جنگ بداندیش کوش	مصالح بیندیش و نیت پیوش
منه در میان راز با هر کسی	که جاسوس هم کاسه دیدم بسی

(بوستان: ۲۵۳)

در نگاه سعدی تأمین امنیت سیاسی در روابط خارجی و دیپلماسی جایگاهی بسیار مهم دارد. او چشم بستن بر دشمن را جایز نمی‌شمرد و بی‌اعتمادی و دشمن‌شناسی را این‌گونه گوشزد می‌کند:

نگویم ز جنگ بداندیش ترس	در آوازی صلح از او بیش ترس
حذر کار مردان کار آگه است	یزک اسد روین لشکرگه است

(بوستان: ۷۶)

• رعایت حال دشمن شکست‌خورده

رعایت حال دشمن شکست‌خورده و مدارا در رفتار با اسیران و گرفتاران در بند از جمله رفتارهای روابط خارجی و دیپلماسی است که کمتر فاتحانی به آن پایبند بوده‌اند. پایبندی به این رفتار انسانی را که در تاریخ درخشان ایران نیز نمونه‌های عملی دارد، سعدی این‌گونه توصیه می‌کند:

چو شاید گرفتن به نرمی دیار	به پیکار خون از مشامی میار
به مردی که ملک سراسر زمین	نیرزد که خونی چکد بر زمین

(همان: ۲۲۲)

همچنین در جایی دیگر می‌گوید:

چو بر دشمنی با شدت دسترس	مرنجانش کو را همین غصه بس
عدو زنده سرگشته پیرامنت	به از خون او گشته در گردنت

(همان: ۲۲۲)

این معلم بزرگ اخلاق معتقد است که حاکم و پادشاه سخت‌گیر بهره از عمر و جوانی خویش نمی‌برد و دود دل زیردستان مظلوم و ستم‌دیده او را گرفتار خواهد کرد:

کسان برخورند از جوانی و بخت	که با زیردستان بگیرند سخت
اگر زیردستی درآید ز پای	حذر کن ز نالیدنش بر خدای

(همان: ۲۲۲)

سعدی حکمرانان را پند می‌دهد که از فرصت کوتاهی که خداوند در حکمرانی کشور به آن‌ها داده است، بهره‌مند شوند و با عدالت‌ورزی نسبت به مردم، دنیا و آخرت خود را بسازند؛ زیرا نیکنامی حاکمان به سبب دادگری آنان است:

جز نام نیک و بد چه شنیدی که بازماند
 عدل اختیار کن که به عالم نبرده‌اند
 خواهی که مهتری و بزرگی به سربری
 خالی مباحث یک نفس از حال که‌تران
 از دور ملک دادگران و ستمگران
 بهتر ز نام نیک بضاعت، مسافران
 (مواعظ: ۸۳۳)

• آمادگی نیروهای مسلح برای دفاع از امنیت سیاسی کشور

سعدی بر آن است که با روابط سیاسی و دیپلماسی خوب و فرهنگ نیکی و مدارا با کشورهای دوست و دشمن می‌توان امنیت سیاسی کشور را تأمین کرد؛ زیرا مدارا به دوستی کشورهای دوست می‌افزاید و از دشمنی کشورهای متخاصم می‌کاهد:

«با دوست و دشمن طریق احسان پیش گیر که دوستان را مهر و محبت بیفزاید و دشمنان را کین و عداوت کم شود» (نصیحه‌الملوک: ۸۷۶).

مدارا از الزامات حکومت‌داری و امنیت سیاسی است. هر حاکم و حاکمیتی با مدارا می‌تواند پایه‌های نظام سیاسی کشور خود را مستحکم نماید. خشونت و تندى در جامعه زیرساخت‌های امنیت سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بستری برای ایجاد ناامنی‌هایی که امنیت سیاسی جامعه را با تهدید روبه‌رو می‌نماید فراهم می‌کند. سعدی در نصیحه‌الملوک می‌گوید:

«دین را نگاه‌داشتن نتوان الا به علم و حکم الا به حلم» (نصیحه‌الملوک: ۸۸۰).

همچنین درباره مدارا در حوزه سیاست خارجی (دیپلماسی) در بوستان می‌گوید:

همی تا برآید به تدبیر کار مدارای دشمن به از کارزار
 (بوستان: ۲۴۷)

وی بر آمادگی نیروهای مسلح برای دفاع از امنیت سیاسی کشور تأکید می‌کند تا اگر دشمن به گونه‌ای پیش‌بینی‌ناپذیر به مرزهای کشور حمله کرد، غافلگیر نشوند و آمادگی دفاع از کشور را داشته باشند:

«پیوسته چنان نشین که گویی دشمن بر در است تا اگر ناگاهی به درآید، ناساخته نباشی» (نصیحه‌الملوک: ۸۸۷).

او به حکمرانان نظام سیاسی پند می‌دهد که از مردم خویش حمایت کنند تا اگر دشمن به مرزهای کشور حمله کرد، حمایت مردم و جامعه خویش را برای دفاع از امنیت سیاسی داشته باشد.

«سلطان خردمند رعیت را نیازارد تا چون دشمن برونی زحمت دهد، از دشمن اندرونی ایمن باشد» (نصیحه‌الملوک: ۸۷۹).

سعدی معتقد است که نظام سیاسی ضمن هوشیاری باید با اقدامات پنهانی و اطلاعاتی از نیت دشمن آگاه باشد؛ زیرا دشمنان پنهان کار هستند و غفلت از آنها، سبب تهدید جدی امنیت سیاسی کشور خواهد شد:

بباید نهان جنگ را ساختن که دشمن نهان آورد تاختن
(بوستان: ۲۵۱)

به باور سعدی، اگر همه راه‌ها و تدبیرها، برای جلوگیری از رویارویی با دشمنان به بن‌بست رسید، آنگاه آخرین راه برای حفظ امنیت نظام سیاسی کشور جنگ خواهد بود؛ بنابراین وجود نیروهای نظامی مقتدر، کارآمد و به‌روز امری حیاتی خواهد بود. زرین‌کوب در این باره می‌گوید: نظام سیاسی موردنظر سعدی، نظامی صلح‌جوست؛ زیرا تا وقتی باتدبیر، کار انجام می‌شود، لازم نیست دست به شمشیر برد. اگرچه وقتی از تدبیر کاری برنیاید، جنگ اجتناب‌ناپذیر می‌گردد؛ اما ضرورت آن وقتی است که برای حفظ صلح و امنیت ملی و سیاسی کشور باشد (زرین‌کوب، ۱۳۸۳: ۹۹).

چو دست از همه چلستی در گسست ^۱	حلال است بردن به شمشیر دست
ور او پای جنگ آورد در رکاب ^۲	نخواهد به خشر از تو داور حساب
اگر صلح خواهد عدو سر میبچ	و گر جنگ جوید عنان بر میبچ
تو هم جنگ را باش چون کینه خاست	که با کینه‌ور مهربانی خطاست
به اسبان تازی و مردان مرد	برآر از نهاد بداندیش گرد
	(بوستان: ۲۴۸)

• حمایت از نیروهای مسلح

سعدی وجود نظام سیاسی را به پشتوانه ارتش منسجم می‌داند؛ زیرا معتقد است، کسب رضایت لشکریان برای دفاع از امنیت سیاسی کشور واجب است؛ از این‌رو که دشمنان کشور در دشمنی متحد هستند؛ بنابراین باید به نیروهای نظامی کشور به گونه‌ای برابر رسیدگی کرد تا آنان نیز در دفاع از امنیت سیاسی کشور هم‌نظر و متحد باشند؛ زیرا دلگرمی مدافعان کشور به حمایت‌های حاکمیت، می‌تواند در افزایش امنیت سیاسی بسیار مؤثر باشد. به همین سبب، درباره وظیفه نظام حاکمیت می‌گوید:

سپاهی که خوش‌دل نباشد ز شاه ندارد حدود ولایت نگاه
(بوستان: ۲۲۲)

همچنین در جایی دیگر از ای کتاب می‌گوید لشکریان در حالت امن باید آسایش داشته باشند (بشیری، ۱۳۹۴: ۱۱۸):

سپاهی در آسودگی خوش بدار که در حالت سختی آید به کار
(همان: ۲۴۹)

۱. راهی نماند.

۲. آغاز کرد.

وی درباره اتحاد دشمنان ضعیف علیه امنیت سیاسی کشور می‌گوید نباید اجازه داد آنان با اتحاد به دشمنی بزرگ تبدیل شوند و امنیت سیاسی کشور را تهدید کنند:

میان دو بدخواه کوتاه‌دست نه فرزانی باشد ایمن نشست
 که گر هر دو باهم سگالند^۱ راز شود دست کوتاه ایشان دراز
 (همان: ۲۵۱)

همچنین در کتاب نصیحه‌الملوک می‌گوید:

«لشکریان را نکو دارد، به انواع ملاطفت دل به دست آرند که دشمنان در دشمنی متفقند تا دوستان در دوستی مختلف نباشد» (نصیحه‌الملوک: ۸۷۷).

افزون بر آن، حمایت از خانواده نظامیانی که جان خود را در راه دفاع از میهن از دست داده‌اند، وظیفه نظام سیاسی می‌داند تا دیگر لشکریان دلگرم باشند که در صورت کشته شدن آن‌ها حاکمیت از خانواده‌های آن‌ها حمایت خواهد کرد؛ ازاین‌رو می‌گوید:

«لشکریان را که در جنگ عداوت کشته شوند، برگ و معاش از فرزندان و متعلقان او دریغ ندارند» (همان: ۸۷۹).

سعدی در جنگ برای دفاع از امنیت سیاسی کشور، برای فرماندهان جنگ ویژگی‌هایی مانند خردمندی، شجاعت و کارآزمودگی و تجربه را در نظر گرفته است:

به پیکار دشمن دلیران فرست هژیران به ناورد شیران فرست
 خردمند باشد جهان‌دیده مرد که بسیار گرم آزموده ست و سرد
 سپه را مکن پیشرو جز کسی که در جنگ‌ها بوده باشد بسی
 نخواهی که ضایع شود روزگار به ناکار دیده مفرمای کار
 (بوستان: ۲۴۹)

• غرور و جنگ‌آفرینی نظام سیاسی

باآنکه سعدی در شرایط ضروری برای حفظ امنیت سیاسی کشور جنگ را ضروری می‌داند؛ اما غرور و جنگ‌آفرینی غیرضروری حکمرانان نظام سیاسی را یکی از عوامل اصلی نابودی امنیت سیاسی می‌داند و معتقد است کارگزاران نظام حکمرانی باید خردمند باشند و کشور را دچار جنگ‌های بیهوده نکنند و اهل مدارا و گفتگو با کشورهای دیگر باشند؛ زیرا تنها با بردباری و پرهیز از جنگ‌های زیان‌بار و بیهوده است که می‌توان از نابودی امنیت سیاسی کشور جلوگیری کرد:

حرامش بود تاج شاهنشاهی

(بوستان: ۲۲۰)

سر پر غرور از تحمل تهی

نتیجه‌گیری

ازجمله ویژگی‌های سعدی که آن را در شاعران و نویسندگان اندکی می‌توان یافت، شهامت او در بیان حقایق و لحن عتاب‌آمیزش در برابر حاکمان و قدرتمندان زمان و دنیاداران ازخدایی‌خبر است. سعدی برخلاف دیگر گویندگان مداح و متملق، به جای چاپلوسی و مبالغه در اوصاف حاکمان سیاسی، بیشتر به‌عنوان پندگویی دلسوز و بیم‌دهنده، حکمرانان را به بی‌ثباتی دنیا و زوال‌پذیری قدرت‌های سیاسی و بدفرجامی ستمگران متوجه می‌کند و با تازیانه هوشیاری بخش سرزنش و نصیحت، به تأدیب آنان می‌پردازد و به دین‌داری و خداپرستی و عدالت و نیکوکاری نسبت به مردم دعوتشان می‌کند؛ بنابراین، سعدی پیشرفت حکومت را متکی بر مردم‌سالاری و پیوند با مردم می‌داند. برای استقرار عدالت، به عقیده او راه آن است که در هر کار صلاح مردم در نظر گرفته شود. کارگزاران خداترس را بر مردم بگمارند و به کسی که مردم از آنان در رنج هستند کاری نسپارند. مهم‌ترین راه برای دستیابی به امنیت سیاسی کشور، آن است که مردم راضی و خوش‌دل باشند. در جهان مطلوب سعدی، ستم و بیداد نكوهیده است؛ ازاین‌رو، کيفر دادن به عامل ظلم دوست بر فرمانروا واجب می‌نماید. در مدینه فاضله سعدی، امنیت سیاسی هر کشوری امنیت، رفاه و آسوده‌دلی مردم آنجا محسوب می‌گردد. در این پژوهش تکیه بر یافتن موضوعاتی بود که می‌تواند امنیت سیاسی یک حکومت را با تهدید روبه‌رو کند. شاید بتوان گفت امنیت سیاسی سعدی در سه دسته کلی «عقل‌گرایی»، «اعتدال و میانه‌روی در رفتار» و «عدالت‌گرایی» قابل تقسیم‌بندی است. عدالت و خیرخواهی به‌عنوان جز جدایی‌ناپذیر در مفاهیم و مضامین اخلاقی و امنیت سیاسی در منظومه فکری او نقش بسزایی دارد. اندیشه‌های وی در حوزه امنیت سیاسی در بُعد داخلی و خارجی می‌تواند تا حد بسیاری به جامعه علمی ایران برای رسیدن به نظریه‌های بومی امنیت سیاسی کمک کرده و نظریه‌های تازه‌ای به ادبیات سیاسی آن اضافه کند. برابر یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل استقرایی آن‌ها، فرضیه پژوهش اثبات می‌گردد؛ ازاین‌رو، مهم‌ترین راه‌ها یا الزامات دستیابی به امنیت سیاسی در اندیشه سعدی در بُعد داخلی را مواردی چون خداپرستی و دین‌داری حاکمان، مردم‌سالاری و حفظ مردم به‌عنوان تنها سرمایه نظام سیاسی، دوری از استبداد و ستم به مردم، خویشتن‌داری حاکمیت، پرهیز از خشم نسبت به مردم، برقراری عدالت در جامعه، موقتی‌بودن قدرت و منزلت، نظام دادگستری نیرومند و رسیدگی به شکایات مردم، برخورد قاطع با متجاوزان به حقوق مردم، مجازات برهم زندگان امنیت، رعایت شایسته‌سالاری و مردم‌سالاری در گزینش کارگزاران نظام حکمرانی، نظارت دقیق بر کار کارگزاران نظام حکمرانی، برخورد و مقابله با کارگزاران فاسد و اخلاط‌گران داخلی و در بُعد دیپلماسی و سیاست خارجی،

ترجیح فرهنگ مدارا در این حوزه، پرهیز از غرور نظام حاکمیت و جنگ‌آفرینی بیهوده نظام سیاسی، حفظ دائمی آمادگی رزمی و در صورت لزوم، جنگ با دشمنان خارجی، حمایت از نیروهای مسلح، رعایت حال دشمن شکست‌خورده و در نهایت امنیت سیاسی مبتنی بر عدالت و فرهنگ مدارا را دربرمی‌گیرد.

پیشنهاد پژوهش

امروزه با استفاده از پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، می‌توان اندیشه‌های موجود در ادبیات هزارساله ایران‌زمین در حوزه‌های گوناگون دانش را به دست آورد. این اندیشه‌ها می‌تواند برای رسیدن به نظریه‌های بومی در دانش‌های گوناگون، یاری‌رسان جامعه علمی و دانشگاهی ایران باشد و دیدگاه‌های نو و تازه‌ای را به ادبیات علمی-پژوهشی آن اضافه کند؛ ازاین‌رو پیشنهاد می‌گردد، پژوهشگران جامعه علمی و دانشگاهی، به این گونه پژوهش‌ها توجه ویژه داشته باشند و آن‌ها را سرلوحه پژوهش‌های خود قرار دهند.

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۵)؛ امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
- افتخاری، اصغر (۱۴۰۰)؛ نظریه‌های امنیت ملی، تهران: انتشارات دانشکده علوم و فنون فارابی.
- الهامی، امیرحسین، حافظ‌نیا، محمدرضا و فرجی راد، عبدالرضا (۱۳۹۶)؛ تبیین نظری رابطه ساخت امنیت سیاسی با توسعه اقتصادی، فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و سوم صص: ۱۳۸-۱۲۱.
- انصاری لاری، محمدابراهیم (۱۳۸۱)؛ سعدی و حکومت (سعدی‌شناسی دفتر پنجم) به کوشش کوروش کمال سروسرستانی، شیراز: مرکز سعدی‌شناسی.
- باقری، بهادر (۱۳۹۴)؛ سعدی و دنیای امروز، نشریه سعدی‌شناسی: تهران، شماره ۲۲: ۱۴۹-۱۸۲.
- بزرگر، ابراهیم (۱۳۸۷)؛ تاریخچه، چیستی و پیدایی علوم میان‌رشته‌ای. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره اول، شماره ۱، صص: ۵۶-۳۷.
- بشیری، علی اصغر (۱۳۹۴)؛ اشاراتی درباره علم سیاست در آثار سعدی، نشریه سرآمد، شماره ۱۳، صص: ۱۱۸-۱۱۶.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)؛ مردم دولت‌ها و هراس، ترجمه علیرضا طیب، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۰)؛ دیوان اشعار، تهران: انتشارات توس.
- بیانی، شیرین (۱۳۸۸)؛ سعدی شیرازی، دانشنامه زبان و ادب فارسی، تهران، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- حاج‌زاده، هادی؛ کرمی، حامد و یغمایی، حمیدرضا (۱۳۹۵)؛ جایگاه امنیت نظام سیاسی در فقه امامیه با تأکید بر مرجع امنیت، فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ۱۳۹۵، ۲ (۳)، صص: ۱۴۲-۱۲۳.
- خورشیدی، محمد و حقیقت، سید صادق (۱۳۹۷)؛ سعدی و سنت‌های فکری سازنده عرف سیاسی، مجله علمی پژوهشی پژوهشنامه علوم سیاسی، ش ۲۱، صص: ۷۲-۳۷.
- دانش‌پژوهان منوچهر و اخگری محمد (۱۴۰۱)؛ آموزه‌های امنیت اقتصادی در اندیشه سعدی (مطالعه موردی: گلستان، بوستان و نصیحه‌الملوک)، فصلنامه امنیت‌پژوهی، سال بیست و یکم، شماره ۷۸: تهران، دانشکده علوم و فنون فارابی، صص: ۷۹-۱۰۰.
- دانش‌پژوهان منوچهر و سلیمانی، صدیقه (۱۴۰۰)؛ مرجع امنیت در شاهنامه فردوسی، فصلنامه امنیت‌پژوهی، سال بیستم، شماره ۷۵: تهران، دانشکده علوم و فنون فارابی، صص: ۵-۲۲.
- رحمت‌اللهی، حسین؛ لکزایی، نجف؛ ارسطو، محمدجواد و حاج‌زاده هادی (۱۳۹۴)؛ امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه، فصلنامه حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۴: تهران، صص: ۱۵۲-۱۱۳.
- روشندل، جلیل (۱۳۸۴)؛ امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران: سمت.

- رهبر، عباسعلی و سوری، فرزاد (۱۳۹۵)؛ **دولت و مدل امنیت سیاسی مطلوب در جامعه دینی**، فصلنامه دولت‌پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۵، صص: ۱۳۳-۱۰۱.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳)؛ **حدیث خوش سعدی**، چاپ سوم، تهران: انتشارات سخن.
- سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۹۴)؛ **کلیات سعدی**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شاه‌محمدی، محمدرضا (۱۳۹۶)؛ **اعتدال‌گرایی در بوستان سعدی**، روزنامه اطلاعات: تهران.
- فخر اسلام، بتول (۱۳۸۳)؛ **هماننده‌های سیاسی شاهنامه فردوسی و بوستان سعدی**، فصلنامه ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد، واحد مشهد، ش، ۴۷-۴۱.
- فراگوزلو، محمد (۱۳۸۳)؛ **جنگ و صلح از مزغل سعدی (سعدی‌شناسی دفتر هفتم)** به کوشش کوروش کمال سروستانی، شیراز: مرکز سعدی‌شناسی.
- کتابی، احمد (۱۳۹۵)؛ **جلوه‌های مدارا در آثار سخنوران بزرگ فارسی، فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ**، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کتابی، احمد (۱۳۹۶)؛ **سعدی و مسائل اجتماعی**، تهران: انتشارات اطلاعات.
- مرادیان، محسن (۱۴۰۰)؛ **مبانی نظری امنیت**، تهران: انتشارات دانشکده علوم و فنون فارابی.
- معین، محمد (۱۳۹۸)؛ **فرهنگ معین**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- موحد، ضیاء (۱۳۸۸)؛ **آثار سعدی شیرازی**، دانشنامه زبان و ادب فارسی، تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- مؤذنی، علی‌محمد؛ جوادی ارجمند، محمدجواد و کوشکی، پروین (۱۴۰۰)؛ **بررسی صلح جهانی در اندیشه سعدی و خواجه‌نصیرالدین طوسی**، نشریه پدافند غیرعامل و امنیت، شماره پیاپی ۳۷، تهران، دانشکده علوم و فنون فارابی، صص: ۳۰-۵.
- نوروزی، محمد تقی (۱۳۸۵)؛ **فرهنگ دفاعی-امنیتی**، تهران: انتشارات سنا.